

## پرونده هسته‌ای ایران و اقتصاد سیاسی دیپلماسی رسانه‌ای هژمون (بررسی منافع راهبردی آمریکا از ساخت بحران هسته‌ای ایران در منطقه غرب آسیا)

جواد حق‌گو\*

### چکیده

مناقشه هسته‌ای ایران با غرب و ابعاد گوناگون آن، به اصلی‌ترین موضوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر تبدیل شده و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را در وجوه گوناگون تحت تأثیر قرار داده است. در این میان نوع مواجهه دولت ایالات متحده به‌عنوان هژمون سیستم بین‌المللی فعلی با این موضوع، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، هم‌زمان با آغاز طرح موضوع هسته‌ای ایران در مجامع بین‌المللی، دولت آمریکا بحران آفرینی در این موضوع را در دستور کار قرار داده است. بررسی چرایی و چگونگی بحران آفرینی، پرسش اصلی این مقاله است. در پاسخ به این پرسش ضمن بررسی راهبردی‌ترین منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا از بحران هسته‌ای ایران در سطح منطقه غرب آسیا، نقش اساسی رسانه‌های آمریکایی در ساخت و سپس تداوم مناقشه هسته‌ای ایران را مورد توجه و تحقیق قرار داده‌ایم.

### واژگان کلیدی

بحران هسته‌ای ایران، دیپلماسی رسانه‌ای، صدای آمریکا، ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی، اسلام‌هراسی، غرب آسیا.

### طرح مسئله

«بحران آفرینی» در موضوع هسته‌ای ایران، به یکی از منطق‌های حاکم بر سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا تبدیل

jhaghgoo@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۷

\*. استادیار گروه تاریخ، تمدن و انقلاب اسلامی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۵

شده است. مسئله دارای اهمیت آن است که در پشت این اقدام آمریکا چه عقلانیت و منافع مشخصی قرار گرفته است؟ بر چنین مبنایی، سؤال اصلی این پژوهش ناظر به بررسی منافع دولت آمریکا از بحران آفرینی در موضوع هسته‌ای ایران و البته چگونگی این بحران آفرینی است.

در پاسخ به این سؤال نیز باید گفت منافع راهبردی دولت آمریکا، عامل اصلی ساخت بحران هسته‌ای ایران و سپس تداوم آن بوده است. در این راستا رسانه‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین کارگزاران دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا، نقشی اساسی در بحران آفرینی و سپس تداوم بحران هسته‌ای ایران داشته‌اند.

### پیشینه و هدف تحقیق

در بررسی پیشینه تحقیق، آثار و منابع گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. ( Osborne and Morrison, 2003; Porter, 2014; Jones, 2011; Risen, 2006; Perkovich, 2003; رنای، ۱۳۹۲، ذوالفقاری، ۱۳۹۱، سجادپور، ۱۳۸۹، قنبرلو، ۱۳۸۷، شریعتی‌نیا، ۱۳۸۹) لکن هرچند در منابع بررسی شده، برخی از آثار چرایی و چگونگی فضا سازی آمریکا در برنامه هسته‌ای ایران را مورد توجه و تحقیق قرار داده بودند، با این حال هیچ‌کدام از آثار یاد شده، به نقش دیپلماسی رسانه‌ای هژمون در روند ساخته شدن بحران هسته‌ای ایران و تأمین منافع اقتصادی و سیاسی دولت ایالات متحده در سطح منطقه غرب آسیا نپرداخته است. در ادامه مروری کوتاه به مهم‌ترین آثار بررسی شده خواهیم داشت.

پیتر اوبرن<sup>۱</sup> و دیوید موریسون<sup>۲</sup> نویسندگان انگلیسی در کتاب اخیر خود با عنوان *توهم خطرناک: چرا غرب درباره ایران هسته‌ای در اشتباه است؟* (Osborne and others, 2013) به بررسی چرایی فضا سازی دولت‌های غربی به‌ویژه دولت ایالات متحده در موضوع هسته‌ای ایران پرداخته‌اند. به باور نویسندگان کتاب، به‌رغم گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل مبنی بر توقف برنامه هسته‌ای ایران در پائیز ۲۰۰۳ و عدم تحول جدی در فعالیت اتمی ایران از این تاریخ به این سو، سیاست‌مداران و رسانه‌های غربی و به‌ویژه آمریکایی، عامدانه و عالمانه به این باور تبلیغاتی که ایران به دنبال تولید و ساخت سلاح هسته‌ای می‌باشد، دامن زده‌اند.

کتاب *بحران ساختگی: داستان ناگفته هراس از ایران هسته‌ای* (Porter, 2014) را باید از دیگر آثار تحقیقی و ارزشمندی دانست که توسط نویسنده آمریکایی گرت پورتر<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۴ منتشر شده است. نویسنده در این اثر روایت جدیدی از پرونده هسته‌ای ایران ارائه کرده و ضمن زیر سؤال بردن روایت غالب مورد تأکید غرب به‌خصوص مقامات آمریکا و رژیم صهیونیستی از این پرونده، نشان می‌دهد تقریباً تمامی ادعاهای مطرح شده علیه ایران از جمله تلاش تهران برای دستیابی به بمب اتم، ادعاهایی دروغ هستند که بر پایه

1. Peter Osborne.  
2. David Morrison.  
3. Gareth Porter.

شواهدی جعلی و بی‌پایه طرح شده‌اند.

جیسون جونز<sup>۱</sup> در کتاب خود با عنوان *ساخت لفاظانه آمریکا از تهدید هسته‌ای ایران* (Jones, 2011) ضمن بررسی گفتمان‌های حاکم بر عرصه سیاسی دو کشور ایران و ایالات متحده، به بررسی دقیق نقش گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران در ساخته شدن موضوع هسته‌ای ایران پرداخته است.

جیمز رایزن<sup>۲</sup> در کتاب *وضعیت جنگ: تاریخ سری سیا و دولت بوش* (Jones, 2011) ضمن انتقاد صریح از سیاست‌های دولت آمریکا در عرصه روابط خارجی، به افشای تلاش دولت آمریکا در دوران ریاست جمهوری کلینتون برای ایجاد اخلال در برنامه هسته‌ای ایران پرداخته است. کتاب *اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران (درآمدی بر عبور تمدن‌ها)* نوشته محسن رنانی را باید از معدود کتاب‌های فارسی‌ای دانست که به بحث برنامه هسته‌ای ایران و بررسی چرایی تقابل غرب به رهبری آمریکا با آن پرداخته است.

همان‌گونه که اشاره شد این آثار و دیگر منابع مرتبط بررسی شده، هیچ‌کدام اشاره‌ای به نقش دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا و منافع راهبردی این دولت در چگونگی و چرایی ساخت بحران هسته‌ای ایران نداشته‌اند. از این رو پژوهش حاضر به دنبال آن است تا ضمن توجه به چگونگی ساخته شدن بحران هسته‌ای ایران از منظر دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا، چرایی آن را نیز از منظر منافع راهبردی این دولت، مورد بررسی قرار داده و خلأ موجود در این رابطه را پر نماید.

با توجه به ماهیت این مقاله، در این پژوهش به فراخور، از روش‌های تحلیل محتوا و توصیفی – تحلیلی بهره برده‌ایم. به عبارت دیگر در بررسی محتوای تولید شده در رسانه‌ها و ارزیابی جهت‌گیری آنها در موضوع هسته‌ای ایران از روش تحلیل محتوا و در بررسی منافع دولت آمریکا از بحران آفرینی در موضوع هسته‌ای ایران از روش توصیفی – تحلیلی بهره برده‌ایم. توضیح آنکه در بررسی فرضیه اصلی پژوهش، پس از توصیف شرایط و اطلاعات موجود به تحلیل و ارزیابی نهایی آنها پرداخته‌ایم. در این پژوهش با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی، به گردآوری اطلاعات خود پرداخته‌ایم.

همچنین برای ارائه چارچوب نظری رساله حاضر، ضمن ارائه برداشتی سیستمی از روابط بین‌الملل و جایگاه دولت هژمون در این نوع سیستم، به بررسی جایگاه دیپلماسی رسانه‌ای در سیاست خارجی هژمون در چنین سیستمی پرداخته‌ایم. بر این اساس رهیافت نظری «اقتصاد سیاسی دیپلماسی رسانه‌ای هژمون» که در ادامه به شرح و تفصیل آن پرداخته‌ایم، چارچوب نظری رساله حاضر را تشکیل داده است.

### برداشت سیستمی از روابط بین‌الملل

برداشت سیستمی یکی از روندهای روش‌شناختی علم جدید است که در تلاش برای خروج از بحران شناخت

1. Jason Jones.
2. James Risen.

علمی در آغاز سده بیستم ظاهر گردید. برداشت و نگرش سیستمی، ریشه در زیست‌شناسی و تکنولوژی مدرن دارد و مدعی بنیان‌گذاری روش علمی یکسان، برای علوم است که تجلی آن را می‌توان در تئوری عمومی سیستم‌ها مشاهده کرد. اقتصاد و سیاست دو دینامیک اصلی سیستم بین‌الملل به‌شمار می‌آیند. بنابراین منافع اقتصادی و سیاسی هژمون، نقشی اساسی در سیستم بین‌المللی دارد. هژمون ضمن تلاش برای برقراری نظم و ثبات در سیستم، تمام ظرفیت‌های خود را برای تثبیت و پیشینه‌سازی منافع اقتصادی و سیاسی خود به‌کار می‌گیرد. این موضوع به‌ویژه در دوران پس از حمله نظامی آمریکا به عراق، از ابعاد جدیدتری برخوردار شده است.

به باور بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل، سیاست بین‌المللی در دوران پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان نظم دوقطبی، وارد نظم سلسله‌مراتبی یا هژمونیک شده است. بر این اساس دوران پس از فروپاشی، نظم دوقطبی را به‌صورت سیستم سلسله‌مراتبی غیردستوری (دموکراتیک) و دوران پس از حمله آمریکا به عراق را به‌صورت سیستم بین‌المللی سلسله‌مراتبی دستوری (استبدادی) تعریف نموده‌اند. (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۵۴) سیستم‌های سلسله‌مراتبی، بیانگر وجود یک دولت جهانی غیررسمی می‌باشند. در صورت تحقق سیستم سلسله‌مراتب دستوری که عملاً بعد از جنگ عراق شکل گرفته است، قدرت عمل واحدهای ملی شدیداً کاهش می‌یابد. در سیستم مذکور تمامی گستره سیستم به‌عنوان منطقه ژئواستراتژیک هژمون تعریف می‌گردد و ارتباط کارکردی شدیدی بین آنها برقرار خواهد شد. بنابراین هرگونه جنبش ضد سیستمی و یا آشوب‌سازی در مناطق مذکور، شدیداً سرکوب خواهد شد. در این سیستم، ایالات متحده به‌عنوان تنها ابرقدرت باقیمانده از دوران جنگ سرد، همچنان در پی سیطره بیشتر بر جهان است. تمایل این کشور به‌ویژه در دوران زمامداری جرج دابلیو بوش به رهبری جهان در پرتو شرایط پدید آمده پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به‌شدت افزایش یافت. در این شرایط، آمریکا هم «بحران آفرین» است و هم در پی «مدیریت و کنترل بحران» می‌باشد. (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۱)

در مطالعه سیستم بین‌الملل علاوه بر مطالعه واحدهای تشکیل‌دهنده سیستم بین‌الملل، بایستی سیستم‌های تابعه و یا مناطق را نیز در نظر گرفت. مطالعه سیستم تابعه (در اینجا غرب آسیا) می‌تواند یارای اصلی در درک نظم بین‌الملل باشد، چراکه کشورها به‌عنوان کوچک‌ترین جزء تشکیل‌دهنده سیستم بین‌الملل، خود عضوی از سیستم منطقه‌ای محسوب می‌گردند که نظم ابتدا بایستی در این حوزه حفظ گردد و معمولاً عدم توان سیستم‌های منطقه‌ای یا به عبارتی بهتر سیستم تابع در حفظ نظم منطقه‌ای است که سبب بر هم خوردن نظم بین‌الملل و درگیر شدن سیستم کنترل بین‌المللی خواهد بود. (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۰۹)

در شرایط کنونی و به‌حسب جایگاه تعیین‌کننده دولت هژمون در وضعیت سلسله‌مراتبی دستوری برای تأمین منافع راهبردی اقتصادی و سیاسی، بسیاری از ابزارها توسط هژمون مورد استفاده قرار گرفته است. رسانه یکی از اصلی‌ترین ابزارهایی است که هژمون با بهره‌مندی از ظرفیت‌های آن ضمن تلاش برای

قاعده‌سازی، به مدیریت و کنترل بحران‌های جهانی (بحران‌های طبیعی یا غیرطبیعی) می‌پردازد. بر این اساس ابزار رسانه، جایگاهی اساسی در دیپلماسی و سیاست خارجی دولت هژمون پیدا می‌کند.

### دیپلماسی رسانه‌ای و سیاست خارجی

رسانه‌ها با بازنمایی واقعیت‌های جهان خارج برای مخاطبان، دانش و شناخت ما از جهان را به وجود می‌آورند. بر این اساس درک ما از واقعیت به واسطه و با میانجی‌گری روزنامه‌ها، تلویزیون، تبلیغات و ... شکل می‌گیرد. رسانه‌ها جهان را برای ما تصویر می‌کنند. معرفت عام کنونی انسان معاصر ناشی از تجربه مواجهه با گزارش‌ها و تصاویری است که به واسطه رسانه‌ها به ما ارائه شده است (Watson and Hill, 2006: 248) وجود چنین اهمیتی را باید عامل اصلی پیشرفت بی‌وقفه ارتباطات دانست. پیشرفت فوق‌العاده تکنولوژی‌های ارتباطی در قرن بیستم تا آنجا پیش رفت که بسیاری از اندیشمندان، تداوم و افزایش قدرت دولتهایی چون ایالات متحده را وابسته به بهره‌مندی حداکثری آنها از این تکنولوژی‌ها دانسته‌اند.

در دوران کنونی و به حسب تحولات به وقوع پیوسته، جریان ارتباطات و اطلاعات همواره پایه و اساس دیپلماسی یک کشور را تشکیل داده است. اکنون که جامعه اطلاعاتی جایگزین جامعه صنعتی شده، دیپلماسی نیز تحولی عظیم یافته است. توسعه تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، ماهیت فعالیت‌های دیپلماتیک را دگرگون ساخته است و در آغاز هزاره سوم، دیپلماسی رسانه‌ای به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فعالیت‌های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی پدیدار شده است. (خرازی آذر، ۱۳۸۷: ۸) دیپلماسی رسانه‌ای به مجموعه سازوکارهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن می‌توان بخشی از سیاست‌ها را بر مردم، احزاب، سیاستمداران، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌های بین‌المللی و حتی دیگر دولت‌ها اعمال نمود. دیپلماسی رسانه‌ای به صورت عام به معنای به کارگیری رسانه‌ها برای تکمیل و ارتقای سیاست خارجی است. (نوابخش، ۱۳۸۷: ۱۵۱) «ابو» در تعریف خلاصه و ساده‌ای دیپلماسی رسانه‌ای را به «استفاده از رسانه‌ها در جهت بیان و ترویج سیاست خارجی» تعریف نموده است. (Ebo, 1998:44) «راما پراساد» محقق آمریکایی، دیپلماسی رسانه‌ای را به نقشی که رسانه‌ها در فعالیت‌های دیپلماتیک میان کشورها بازی می‌کنند، تعریف کرده است.

بنابراین، دیپلماسی رسانه‌ای، بخش قابل توجهی از دیپلماسی عمومی کشورهای قدرتمند جهانی به‌ویژه هژمون را به خود اختصاص داده است؛ چراکه در سایه محیط جهانی نوین، محتوای بازی نرم‌افزاری به‌عنوان بخشی از دگرگونی‌های جدید سیاست خارجی موجب شده است تا گفتمان، تصویرسازی و اقناع دیگران، در تعاملات مربوط به سیاست خارجی جایگاهی نوین یابند. در این فضا دولت‌ها ناظر توان اطلاع‌یابی و تأثیر بر مخاطبان خارجی خود در هر نقطه از جهان هستند؛ توانی که امروزه به‌عنوان توان استراتژیک - دیپلماتیک در نظر گرفته می‌شود و برای دستیابی دولت‌ها به اهدافشان به‌عنوان شرطی غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد.

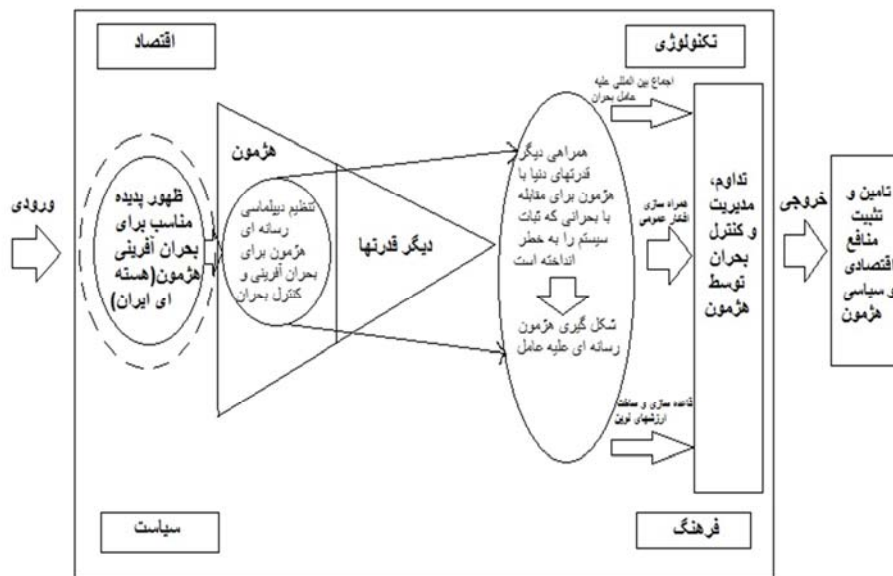
(خرازی آذر، ۱۳۸۷: ۹ - ۸)

### چارچوب نظری این پژوهش

بنابه مباحث مطرح شده می‌توان رهیافت نظری استفاده شده در این مقاله را تحت عنوان «اقتصاد سیاسی دیپلماسی رسانه‌ای هژمون» این‌گونه مطرح نمود:

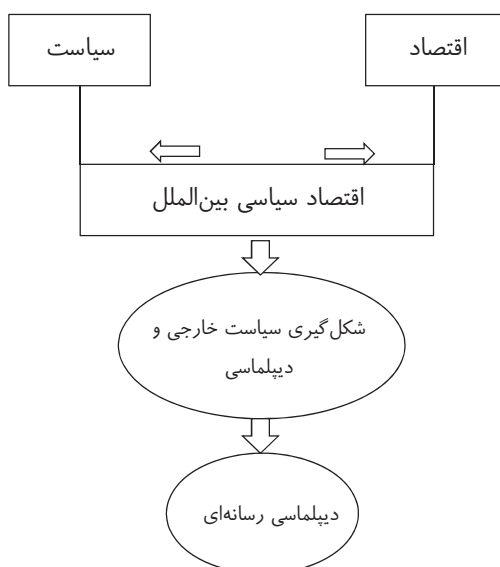
«دیپلماسی رسانه‌ای دولت هژمون تحت تأثیر منافع اقتصادی و سیاسی این دولت شکل می‌گیرد. بر این اساس هژمون با بهره‌مندی از ابزارها و هژمونی رسانه‌ای خود به بحران‌آفرینی و سپس کنترل و هدایت بحران ساختگی در راستای پیشینه‌سازی منافع اقتصادی و سیاسی خود می‌پردازد.»

در توضیح این گزاره نظری در نمونه پرونده هسته‌ای ایران باید گفت که برنامه هسته‌ای ایران از همان آغازین روزهای طرح بین‌المللی به‌عنوان پدیده‌ای بحران‌زا مورد توجه هژمون قرار گرفت. بنا به شواهد و قرائن متعدد که در مباحث آتی شرح مبسوط آن آمده است، دولت آمریکا با تبلیغات منفی علیه برنامه هسته‌ای ایران، اصلی‌ترین نقش را در «برساختن بحران هسته‌ای ایران» برعهده داشته است. به‌عبارت‌دیگر ساخت و پرداخت بحران هسته‌ای ایران به‌عنوان موضوعی چالش‌برانگیز برای صلح و ثبات منطقه و جهان بیش از هر چیز، پیامد فضا‌سازی‌های گسترده آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران بوده است.



شکل (۱): جایگاه دیپلماسی رسانه‌ای هژمون در سیستم بین‌المللی سلسله‌مراتبی دستوری (بحران‌آفرینی و کنترل بحران ساختگی)

در پایان این بخش و برای تبیین دقیق‌تر رابطه میان منافع اقتصادی و سیاسی دولت هژمون با دیپلماسی رسانه‌ای این دولت، مدل مفهومی ذیل ارائه می‌گردد:



شکل (۲): اقتصاد سیاسی بین‌الملل و شکل‌گیری دیپلماسی رسانه‌ای دولت‌ها

واکاوی رفتار «صدای آمریکا» در قبال پرونده هسته‌ای ایران (بررسی موردی) با بررسی‌های صورت پذیرفته در این پژوهش، رسانه صدای آمریکا با بهره‌مندی از روش‌های غالب رسانه‌ای، به فضا سازی رسانه‌ای علیه فعالیت هسته‌ای ایران پرداخته است. با تحلیل محتوای اخبار منتشر شده در وبسایت‌های صدای آمریکا از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۳ شمسی - که اطلاعات دقیق آن در جدول ذیل آمده است - نتایج ذیل استخراج گردید:

جدول (۲): اطلاعات کامل جامعه آماری

ردیف	منبع بررسی اخبار	تعداد	بازه زمانی	کلمات کلیدی	لینک دسترسی به صفحه آرشیو
۱	وبسایت انگلیسی صدای آمریکا	۵۰۸۹ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	Nuclear program of Iran	<a href="http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Nuclear%20program%20of%20Iran 0 allzones 08/01/2002 10/16/2014 banner">http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Nuclear%20program%20of%20Iran 0 allzones 08/01/2002 10/16/2014 banner</a>
۲	وبسایت انگلیسی صدای آمریکا	۲۳۵۲ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	iran nuclear talks	<a href="http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all iran%20nuclear%20talks 0 allzones 08/01/2002 10/20/2014 banner">http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all iran%20nuclear%20talks 0 allzones 08/01/2002 10/20/2014 banner</a>
۳	وبسایت انگلیسی صدای آمریکا	۷۰۱ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	Iran nuclear dispute	<a href="http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Iran%20nuclear%20dispute 0 allzones 08/01/2002 10/20/2014 banner">http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Iran%20nuclear%20dispute 0 allzones 08/01/2002 10/20/2014 banner</a>

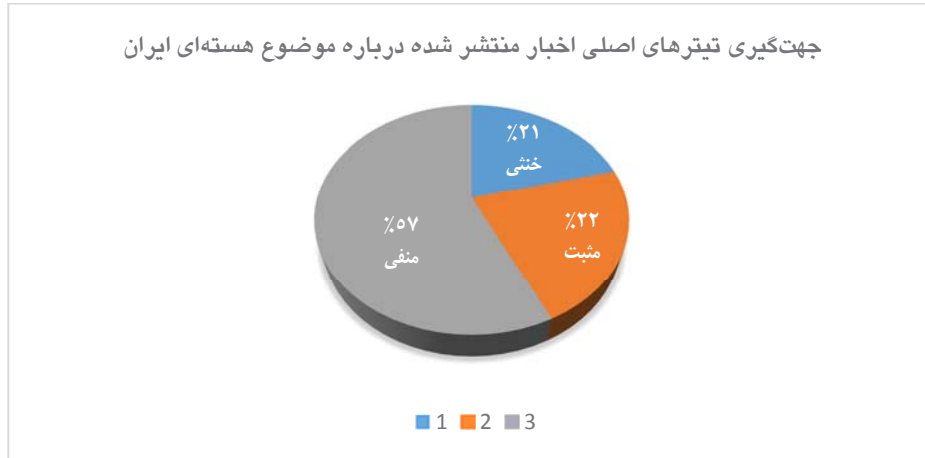
رتبه	منبع بررسی اخبار	تعداد	بازه زمانی	کلمات کلیدی	لینک دسترسی به صفحه آرشیو
۴	وبسایت انگلیسی صدای آمریکا	۴۸۶ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	Iran's nuclear program	<a href="http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Iran%27s%20nuclear%20program 0 allzones 08/01/2002 10/24/2014 banner">http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Iran%27s%20nuclear%20program 0 allzones 08/01/2002 10/24/2014 banner</a>
۵	وبسایت انگلیسی صدای آمریکا	۷۲۹ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا سپتامبر ۲۰۱۴	Negotiations Between Iran and US	<a href="http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Negotiations%20Between%20Iran%20and%20US 0 allzones 08/01/2002 09/17/2014 banner">http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Negotiations%20Between%20Iran%20and%20US 0 allzones 08/01/2002 09/17/2014 banner</a>
۶	وبسایت انگلیسی صدای آمریکا	۶۱۰ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	iran west nuclear talks	<a href="http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all iran%20west%20nuclear%20talks 0 allzones 08/01/2002 10/08/2014 banner">http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all iran%20west%20nuclear%20talks 0 allzones 08/01/2002 10/08/2014 banner</a>
۷	وبسایت انگلیسی صدای آمریکا	۵۵۵۲ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	nuclear iran	<a href="http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all nuclear%20iran 0 allzones 08/01/2002 10/22/2014 banner">http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all nuclear%20iran 0 allzones 08/01/2002 10/22/2014 banner</a>
۸	وبسایت فارسی صدای آمریکا	۱۸۶۳ خبر	فروردین ۱۳۸۷ تا دی ۱۳۹۳	مذاکرات هسته‌ای	<a href="http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D9%85%D8%B0%D8%A7%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%AA%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%7C10 allzones !1387_1_1 !1393_10_31 banner">http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D9%85%D8%B0%D8%A7%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%AA%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%7C10 allzones !1387_1_1 !1393_10_31 banner</a>
۹	وبسایت فارسی صدای آمریکا	۲۳۲ خبر	فروردین ۱۳۸۷ تا دی ۱۳۹۳	پرونده هسته‌ای ایران	<a href="http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_10_14 date">http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_10_14 date</a>
۱۰	وبسایت فارسی صدای آمریکا	۲۰۳۶ خبر	فروردین ۱۳۸۷ تا آذر ۱۳۹۳	ایران هسته‌ای	<a href="http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_9_14 date">http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_9_14 date</a>



ردیف	منبع بررسی اخبار	تعداد	بازه زمانی	کلمات کلیدی	لینک دسترسی به صفحه آرشیو
۱۱	وبسایت فارسی صدای آمریکا	۱۱۵ خبر	فروردین ۱۳۸۷ تا آذر ۱۳۹۳	مناقشه اتمی ایران	<a href="http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D9%85%D9%86%D8%A7%D9%82%D8%B4%D9%87%20%D8%A7%D8%AA%D9%85%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_9_14 date">http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D9%85%D9%86%D8%A7%D9%82%D8%B4%D9%87%20%D8%A7%D8%AA%D9%85%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_9_14 date</a>
۱۲	وبسایت فارسی صدای آمریکا	۴۹ خبر	فروردین ۱۳۸۷ تا آذر ۱۳۹۳	مناقشه هسته‌ای ایران	<a href="http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D9%85%D9%86%D8%A7%D9%82%D8%B4%D9%87%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_9_14 date">http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D9%85%D9%86%D8%A7%D9%82%D8%B4%D9%87%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_9_14 date</a>
۱۳	وبسایت فارسی صدای آمریکا	۱۰۹ خبر	فروردین ۱۳۸۷ تا آبان ۱۳۹۳	بمب اتم ایران	<a href="http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D8%A8%D9%85%D8%A8%20%D8%A7%D8%AA%D9%85%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_8_14 date">http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D8%A8%D9%85%D8%A8%20%D8%A7%D8%AA%D9%85%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_8_14 date</a>
۱۴	وبسایت فارسی صدای آمریکا	۷۷۵ خبر	فروردین ۱۳۸۷ تا بهمن ۱۳۹۳	مذاکرات هسته‌ای ایران با آمریکا	<a href="http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D9%85%D8%B0%D8%A7%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%AA%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%20%D8%A8%D8%A7%20%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_11_1 date">http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all %D9%85%D8%B0%D8%A7%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%AA%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%20%D8%A8%D8%A7%20%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7%7C0 allzones !1387_1_1 !1393_11_1 date</a>

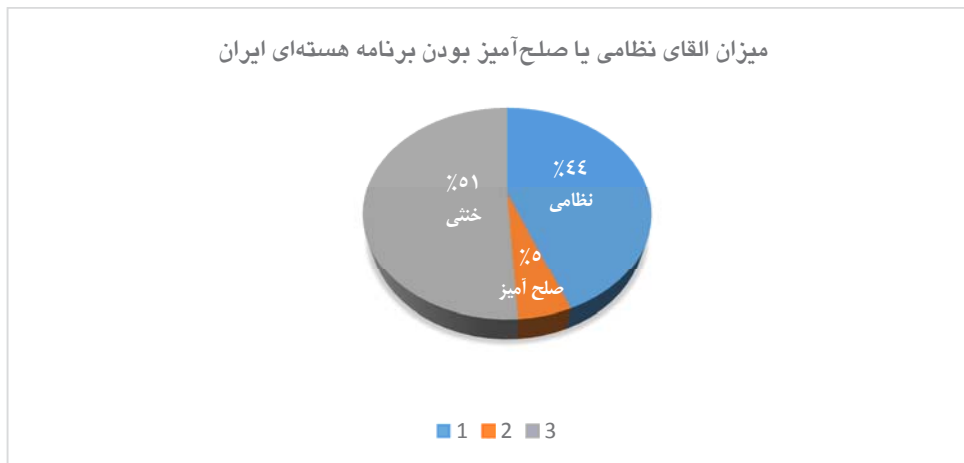
۱. تحلیل کلی تیترهای اصلی اخبار منتشر شده درباره موضوع هسته‌ای ایران

۱. جهت‌گیری مثبت تیترهای به کار رفته: حدود ۲۲/۲ درصد
۲. جهت‌گیری منفی تیترهای به کار رفته: حدود ۵۷ درصد
۳. جهت‌گیری خنثی تیترهای به کار رفته: حدود ۲۰/۸ درصد



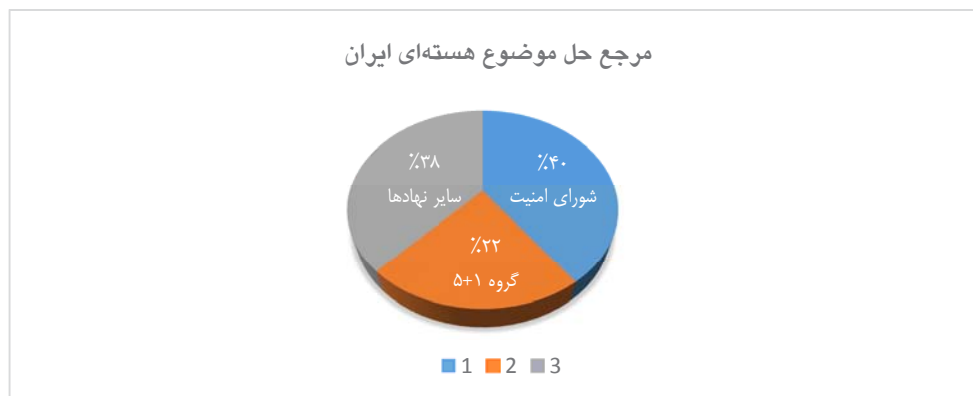
۲. میزان القای نظامی یا صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران

۱. حدود ۴۴ درصد از اخبار، به القای نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران پرداخته‌اند.
۲. حدود ۵ درصد از اخبار، بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران تأکید نموده‌اند.
۳. حدود ۵۱ درصد بقیه اخبار، موضعی خنثی در قبال این مسئله اتخاذ نموده‌اند.



### ۳. مرجع حل موضوع هسته‌ای ایران

۱. در ۴۰ درصد از اخبار منتشر شده در صدای آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌عنوان تنها مرجع برای حل بحران هسته‌ای ایران مورد تأیید قرار گرفته است.
۲. گروه ۵+۱ با اختلاف زیاد ۲۲ درصد در جایگاه دوم قرار دارد.
۳. ۳۸ درصد از اخبار، دیگر نهادها را به‌عنوان مرجع حل بحران هسته‌ای ایران مطرح کرده است.



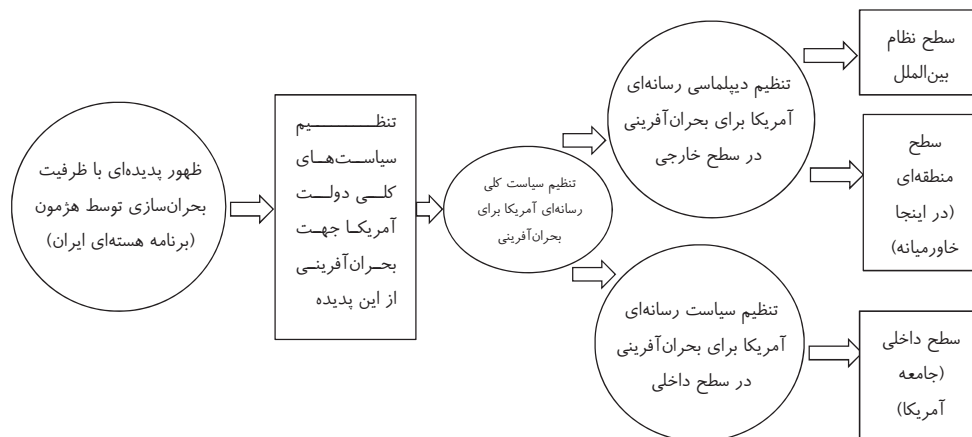
### تحلیل و ارزیابی داده‌های آماری

با استناد به آمار و ارقام تحقیقی مطرح شده، می‌توان ادعا نمود که صدای آمریکا به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کارگزاران دیپلماسی رسانه‌ای دولت آمریکا، به فضا سازی گسترده‌ای علیه موضوع هسته‌ای ایران پرداخته و با تهدیدآمیز جلوه دادن فعالیت هسته‌ای ایران، خواستار حضور فعال شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حل و فصل مناقشه اتمی ایران شده است. با توجه به آنکه عقلانیت ابزاری منشأ رفتار دولتی چون ایالات متحده را تشکیل می‌دهد و اساساً اصول سیاست‌های آمریکا بر پایه سودآوری و منفعت‌محوری است، بی‌تردید این گونه رفتار رسانه‌ای این دولت نیز مبتنی بر منافع مشخصی است. در ادامه به دو نمونه از اصلی‌ترین منافع راهبردی دولت آمریکا از بحران آفرینی در برنامه هسته‌ای ایران در سطح منطقه غرب آسیا پرداخته‌ایم.

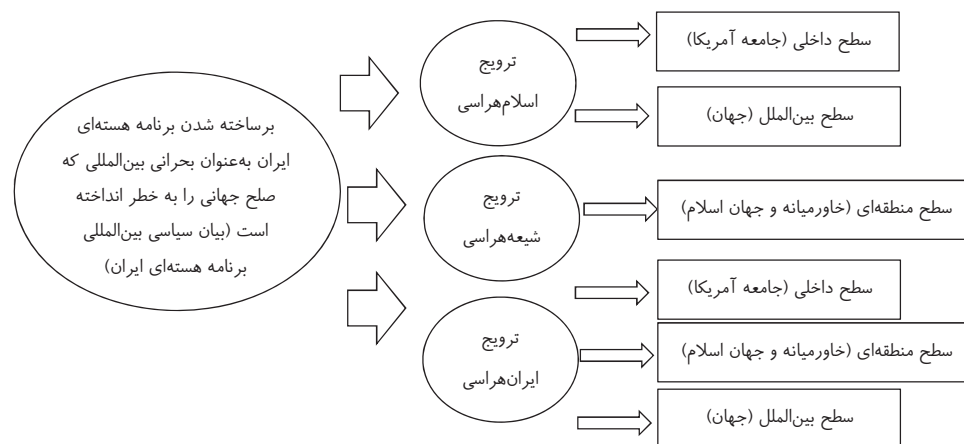
#### منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا از گسترش موج ایران‌هراسی در سطح منطقه غرب آسیا

همان گونه که در بخش مربوط به چارچوب نظری اشاره شد بحران آفرینی در سیستم بین‌الملل و سیستم‌های تابعه (در اینجا غرب آسیا) و سپس کنترل و تداوم این بحران‌های ساختگی، بیش از هر چیز در راستای منافع دولت هژمون قابل تبیین است. به‌عبارت‌دیگر دولت هژمون با توجه به غلبه‌ای که بر فضای تبلیغاتی و رسانه‌ای دنیا دارد قادر است تا بسیاری از موضوعات جهانی و منطقه‌ای را در راستای منافع خود به سمت و سویی خاص سوق دهد.

### سطوح اثرپذیر از فضا سازی رسانه‌ای دولت ایالات متحده علیه برنامه هسته‌ای ایران



پیش از بررسی این منافع باید اشاره کنیم که بحران‌سازی در برنامه هسته‌ای ایران، سه پیامد هم‌زمان ایران‌هراسانه، شیعه‌هراسانه و اسلام‌هراسانه را با خود به همراه داشته است. پیامدهایی که ترویج هر کدام از آنها ضمن تأثیرگذاری بر جوامع هدف مشخص، تأمین و تثبیت منافع دولت آمریکا را با خود به همراه داشته است. برای مثال در منطقه غرب آسیا در دستور کار قرار گرفتن ترویج ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در دیپلماسی رسانه‌ای هژمون، آثار و پیامدهای بسیار مهمی بر نوع رفتار دولت‌های منطقه از جمله اعراب اهل تسنن منطقه غرب آسیا دارد. همچنین جایگزین نمودن تهدید ایران هسته‌ای به جای رژیم صهیونیستی، یکی دیگر از منافع سیاسی مشخص دولت آمریکا از ترویج ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در برنامه هسته‌ای ایران است که در ادامه به شرح این دو مورد پرداخته‌ایم.



### مناطق اثرپذیر از ترویج سه پدیده اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی

### ۱. گسترش فروش تسلیحات؛ اصلی‌ترین نفع اقتصادی آمریکا در منطقه غرب آسیا

تبلیغات ایالات متحده علیه پرونده هسته‌ای ایران، دولت ایران را به‌عنوان یک مقوله امنیتی برای بازیگران اسلامی منطقه به‌خصوص دولت‌های عرب و سنی منطقه تبدیل کرده است. همان‌گونه که نظریه‌پردازان رئالیسم تدافعی از جمله استفن والت تأکید می‌کنند، دولت‌ها نه براساس واقعیت‌های موجود بلکه براساس برداشت خود از واقعیت‌ها دست به عمل می‌زنند. (Walt, 1987) به لحاظ عملی، روشن است که اصلی‌ترین محور فعالیت‌های دیپلماتیک واشنگتن در منطقه یا ابزار سیاست خارجی این کشور، تأکید بر تهدیدآفرینی موضوع هسته‌ای ایران است و کاهش حس تهدید در اعراب از جانب ایران، مخرب و زایل کننده سیاست خارجی آمریکا در منطقه خواهد بود. حجم وسیع صادرات اسلحه آمریکا به کشورهای عربی این منطقه، مرهون همین احساس است.

نکته‌ای که در اینجا باید بدان اشاره کرد آن است که ذهنیت تاریخی و دیدگاه ادراکی بدبینانه حاکم بر روابط تاریخی ایران و اعراب، عامل مضاعفی برای اجرایی نمودن پروژه ایران‌هراسی توسط آمریکا بوده است. با مطالعه رفتار سیاست خارجی کشورهای منطقه در قبال ایران در سالیان اخیر می‌توان پی برد که سیاست خارجی کشورهای منطقه عمدتاً تحت تأثیر پندارها و ذهنیت‌های منفی رهبران و مردمان این کشورها نسبت به جمهوری اسلامی ایران (به‌خصوص در پرونده هسته‌ای ایران) به دید تهدید، شکل گرفته است که خود این امر حاصل کارکرد دستگاه تبلیغی - رسانه‌ای غرب به‌ویژه آمریکا بوده است. (جهانگیری، ۱۳۹۰: ۱۱۲؛ شایسی، ۱۳۹۰: ۹۶) در نتیجه ایجاد چنین ذهنیتی در قبال موضوع هسته‌ای ایران، بسیاری از کشورهای عربی منطقه که در دو پارامتر زبان و مذهب با ایران اختلاف دارند، ضمن تحکیم روابط دفاعی - امنیتی خود با بازیگران فرامنطقه‌ای به‌خصوص آمریکا، اقدام به خرید تجهیزات نظامی گسترده از مجتمع‌های نظامی - صنعتی آمریکایی نموده‌اند.

با توجه به ذهنیت تاریخی و روانی منفی کشورهای عرب منطقه به‌ویژه پنج پادشاهی عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، قطر و کویت نسبت به ایران، بررسی و ارزیابی میزان واردات نظامی این کشورها در فاصله سال‌های پس از ۲۰۰۳ میلادی می‌تواند شاخص مناسبی برای سنجش اثرپذیری این کشورها از ترویج ایران‌هراسی توسط دولت‌هایی چون آمریکا در فاصله این سال‌ها باشد. بدین منظور در ادامه به بررسی آماری حجم واردات نظامی این پنج کشور در فاصله سال‌های یاد شده پرداخته‌ایم.

حجم واردات نظامی عربستان سعودی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی (به میلیون دلار)\*

۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۱۶۷	۱۱۷۰	۱۵۸	۱۹۵	۱۹۵	۳۳۹	۷۳۳	۹۸۶	۱۱۶۰	۸۶۶	۱۴۸۶

\*. TIV of arms exports to Saudi Arabia, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: <http://armstrade.sipri.org>.

**حجم واردات نظامی امارات متحده عربی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی (به میلیون دلار)\***

۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۶۸۵	۱۲۱۰	۲۱۶۹	۲۰۱۹	۹۱۷	۷۴۹	۵۶۰	۶۰۵	۱۲۱۳	۱۱۵۴	۲۲۴۵

**حجم واردات نظامی قطر از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی (به میلیون دلار)\***

۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۱۱	—	—	—	—	—	۲۸۶	۳۰	۱۹۸	۳۱۸	۷۱

**حجم واردات نظامی بحرین از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی (به میلیون دلار)\***

۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۱	۱۰	۶۶	۶۳	۲۶	۲۰	—	۱۰۳	—	۲۵	۶۶

**حجم واردات نظامی کویت از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی (به میلیون دلار)\***

۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۴۵	۲	۱۷	—	۲۷۹	۵	۹	۷۰	۱۰۹	۳۱	۴۷

همان‌گونه که پیداست حجم واردات نظامی پنج پادشاهی یاد شده از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ روندی روبه‌رشد داشته است. برای مثال حجم واردات نظامی عربستان سعودی هم‌زمان با طرح بین‌المللی موضوع هسته‌ای ایران، به یک‌باره حدود هفت برابر شده است. هرچند این روند در سال‌های بعدی یعنی در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ کاهش چشمگیر داشته است، لکن روند کلی واردات نظامی عربستان سعودی از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ روندی روبه‌رشد داشته است.

نکته دارای اهمیت و قابل تأمل به حجم چشمگیر واردات نظامی این کشور در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ به‌خصوص سال ۲۰۱۳ بازمی‌گردد. همین وضعیت البته با برخی تفاوت‌ها در رابطه با پنج کشور دیگر نیز مصداق دارد. برای مثال حجم واردات امارات متحده عربی از ۶۸۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۳ به تقریباً ۱۲۱۰ میلیون دلار افزایش یافته است و این رقم در سال ۲۰۱۳ میلادی به ۲۲۴۵ میلیون دلار رسیده است. همچنین روند افزایشی در حجم واردات نظامی در مورد سه کشور قطر، بحرین و کویت نیز مصداق دارد.

\*. TIV of arms exports to UAE, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: armstrade.sipri.org.

\*. TIV of arms exports to Qatar, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: armstrade.sipri.org.

\*. TIV of arms exports to Bahrain, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: armstrade.sipri.org.

\*. TIV of arms exports to Kuwait, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: armstrade.sipri.org.

هرچند این افزایش حجم واردات، خود نشانی از گسترش فروش تسلیحات و ادوات نظامی به این کشورها در فاصله سال‌های یاد شده می‌باشد، لکن بنا به مستندات موجود این کشورها تجهیزات نظامی خود را از کشورهای گوناگونی چون آمریکا، انگلیس، فرانسه و ... وارد می‌کنند. برای همین نمی‌توان صرف افزایش حجم واردات نظامی این کشورها را دلیلی بر منتفع شدن دولت آمریکا دانست. بر این اساس در ادامه به ارائه آماری تفکیکی از سهم دولت آمریکا در این افزایش واردات پرداخته‌ایم.

**آمار واردات تجهیزات نظامی عربستان از آمریکا از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی (به میلیون دلار)\***

۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۱۱۷	۳۲۴	۱۵۱	۱۷۰	۱۴۷	۲۳۷	۲۳۴	۳۴۰	۳۹۷	۲۲۴	۳۳۸

**آمار واردات تجهیزات نظامی امارات از آمریکا از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی (به میلیون دلار)\***

۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۳۶	۳۸۰	۱۲۵۹	۹۹۴	۴۷۲	۶۷۷	۳۹۴	۱۵۳	۸۶۳	۹۹۷	۱۰۸۱

**آمار واردات تجهیزات نظامی قطر از آمریکا از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی (به میلیون دلار)\***

۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
—	—	—	—	—	—	۲۸۰	—	۱۵۰	۲۸۰	—

**آمار واردات تجهیزات نظامی بحرین از آمریکا از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی (به میلیون دلار)\***

۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۱	—	۶۳	۳	۲۶	۲	—	۶۸	—	—	۶۶

**آمار واردات تجهیزات نظامی کویت از آمریکا از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ میلادی (به میلیون دلار)\***

۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
۲۱	—	۱۰	—	۲۷۹	—	۱	۲۲	۳۲	۲۲	۳۸

\*. TIV of arms exports to Saudi Arabia, 2003\_2013, Generated: 13 December 2014, at: armstrade.sipri.org.

\*. TIV of arms exports to UAE, 2003\_2013, Generated: 13 December 2014, at: armstrade.sipri.org.

\*. TIV of arms exports to Qatar, 2003\_2013, Generated: 13 December 2014, at: armstrade.sipri.org.

\*. TIV of arms exports to Bahrain, 2003\_2013, Generated: 13 December 2014, at: armstrade.sipri.org.

\*. TIV of arms exports to Kuwait, 2003\_2013, Generated: 13 December 2014, at: armstrade.sipri.org.

**نسبت واردات نظامی از آمریکا در قیاس با کل واردات\***

سال کشور	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳
عربستان	% ۷۰	% ۲۸	% ۹۵	% ۸۷	% ۷۵	% ۷۰	% ۳۲	% ۳۵	% ۳۴	% ۲۶	% ۲۳
امارات	% ۰/۵	% ۳۱	% ۵۸	% ۵۰	% ۵۱	% ۹۰	% ۷۰	% ۲۵	% ۷۱	% ۸۶	% ۴۸
قطر	—	—	—	—	—	—	% ۹۸	—	% ۷۶	% ۸۸	—
بحرین	% ۱۰۰	—	% ۹۵	—	% ۱۰۰	% ۱۰	—	% ۶۶	—	—	% ۱۰۰
کویت	% ۴۷	—	% ۵۹	—	% ۱۰۰	—	% ۱۱	% ۳۱	% ۳۰	% ۷۱	% ۸۱
مجموع	% ۵۴	% ۳۰	% ۷۷	% ۶۹	% ۸۲	% ۵۷	% ۵۲	% ۴۰	% ۵۳	% ۶۸	% ۶۳

همان‌گونه که از آمار و ارقام جدول بالا مشخص است، پنج پادشاهی عرب منطقه بخش اعظم تجهیزات و خدمات نظامی خود را از آمریکا وارد می‌کنند. همین مسئله بیش از هر چیز شاهدی بر این ادعاست که با افزایش هزینه‌های نظامی این کشورها، آمریکا بیش از هر کشور دیگری منتفع می‌گردد. به موازات سود مستقیمی که از صادرات تجهیزات نظامی عاید دولت آمریکا می‌گردد، برخی منافع اقتصادی و سیاسی تبعی و پیرامونی نیز برای این کشور قابل ذکر است که در ادامه به چند مورد از آنها پرداخته‌ایم:

**حضور بیشتر مستشاران آمریکایی در این کشورها:** گسترش حضور مستشاران نظامی آمریکایی، یکی از منافع تبعی‌ای است که با گسترش فروش تسلیحات نظامی، عاید دولت آمریکا می‌گردد. توضیح آنکه کشورهای عربی منطقه به‌حسب ساختار ضعیف و ابتدایی نظامی خود، امکان و توان بهره‌مندی حداکثری از تجهیزات پیشرفته و جدید را ندارند. بر این اساس زمینه حضور مستشاران و کارشناسان نظامی آمریکایی بیش‌ازپیش مهیا شده است. با گسترش واردات تجهیزات پیشرفته به این کشورها شاهد حضور چشمگیر نیروی انسانی متخصص آمریکایی، چه به‌عنوان نیروهای عملیاتی و چه به‌عنوان نیروهای آموزش‌دهنده بوده‌ایم. فواید اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این امر کاملاً روشن و مشخص است.

**گسترش مسابقه تسلیحاتی در منطقه:** افزایش رقابت تسلیحاتی میان کشورهای منطقه به‌خصوص پنج پادشاهی مورد بحث در این پژوهش، یکی دیگر از منافع اقتصادی‌ای است که با گسترش فروش تسلیحات به این کشورها عاید آمریکا می‌گردد. تقریباً هر پنج کشور مطروحه در این پژوهش طرح‌های تفصیلی و آرمانی‌ای برای تجهیز نمودن ارتش‌های خود دارند. با اقدام هر کدام از این کشورها برای تجهیز بیشتر خود، دیگر رقبا نیز به دنبال تجهیز بیشتر خود افتاده‌اند. این رقابت به‌گونه‌ای است که در بین این پنج کشور و

\*. TIV of arms exports to all, 2003 \_ 2013, Generated: 14 December 2014, at: www.sipri.org.



دیگر کشورهای منطقه از جمله اردن و عمان نیز رقابت گسترده تسلیحاتی صورت پذیرفته است. سود مستقیم افزایش این رفتار رقابتی، دولت آمریکا را بیش از هر دولت دیگر منتفع ساخته است. همان گونه که در جدول بالا اشاره شد، حدود ۶۰٪ از واردات نظامی این کشورها تنها از آمریکا صورت می‌گیرد.

**تثبیت جایگاه انحصاری شرکت‌های آمریکایی در این عرصه:** تثبیت جایگاه انحصاری شرکت‌های آمریکایی در بازار تسلیحاتی منطقه را باید یکی دیگر از منافع آمریکا دانست. بی‌تردید یکی از پیامدهای گسترش حضور آمریکا در بازار تسلیحاتی کشورهای منطقه، کاهش حضور رقابتی چون چین و روسیه از این بازار می‌باشد.

## ۲. تضمین امنیت اسرائیل؛ اصلی‌ترین نفع سیاسی آمریکا در غرب آسیا

همان گونه که اشاره شد ایران هراسی و شیعه‌هراسی، دو پیامد آشکار بحران آفرینی غرب در برنامه هسته‌ای ایران بوده است. بی‌تردید در منطقه‌ای که سال‌ها شاهد درگیری و تنش میان اعراب و رژیم صهیونیستی بوده است، هرگونه تلاش برای ایجاد تهدید جدیدی به‌جای اسرائیل، بیش از هر چیز امنیت رژیم صهیونیستی به‌عنوان هم‌پیمان و متحد اصلی دولت آمریکا در خاورمیانه و جهان و به‌تبع منافع راهبردی دولت آمریکا را به همراه دارد. همان گونه که در مباحث مربوط به بررسی نقش آفرینی رسانه‌های غربی در مناقشه هسته‌ای ایران اشاره شد، با تشدید بحران هسته‌ای، ایران به‌جای رژیم صهیونیستی - لاقلاً در نگاه دولت‌های عرب و اهل تسنن منطقه (عربستان، قطر، امارات و ...) - به‌عنوان تهدید اصلی و شماره یک مورد شناسایی این کشورها قرار گرفت. با مروری بر آخرین تحولات یمن و ایجاد ائتلاف عربی - سنی به رهبری عربستان سعودی و حمایت اسرائیل برای مقابله با آنچه با عنوان «نفوذ ایران در یمن» یاد می‌شود، این ادعا قابل تأیید است. همان گونه که اشاره شد با افزایش امنیت رژیم صهیونیستی، دولت آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین شریک و متحد جهانی این رژیم، بیش از هر دولت دیگر منتفع می‌گردد. با توجه به هزینه‌های گزاف اقتصادی، سیاسی، نظامی و دیپلماتیک آمریکا برای صیانت و حفاظت از رژیم صهیونیستی، بی‌تردید هر اقدامی که بتواند دولت آمریکا را در این امر یاری نماید، به‌گونه‌ای غیرمستقیم منافع راهبردی این دولت را تضمین نموده است. در ادامه برای بررسی ابعاد این موضوع به پیوندهای عمیق و گسترده رژیم صهیونیستی با دولت آمریکا پرداخته‌ایم.

## نگاهی به روابط سیاسی - امنیتی آمریکا با رژیم صهیونیستی

پیشینه تاریخی، تجانس ارزشی و فرهنگی میان آمریکا و رژیم صهیونیستی، به نخستین گروه مهاجران یهودی به جامعه آمریکا بازمی‌گردد. یهودیان مهاجر، سرزمین آمریکا را به‌عنوان مدینه فاضله یاد می‌کردند و برای اولین بار حس آزادی را در آن تجربه می‌نمودند که در جامعه اروپا با زندگی حاشیه‌نشینی از آن بی‌بهره بودند. پیوند ارزشی و دینی که میان یهودیت و مسیحیت به وجود آمد، سبب شکل‌گیری اندیشه صهیونیسم

مسیحی<sup>۱</sup> در این جامعه گردید. صهیونیست‌های مسیحی شرط ظهور حضرت مسیح را، بازگشت یهودیان به سرزمین موعود می‌پندارند. (Rabeya, 2003: 27) رواج ایدئولوژی صهیونیسم مسیحی در جامعه آمریکا از یکسو و تأسیس دولتی به نام اسرائیل از سوی دیگر، بسترهای لازم و مناسب را برای نزدیکی هرچه بیشتر آمریکا و رژیم صهیونیستی به وجود آورد. نزدیکی‌ای که به باور بسیاری از ناظران، نمونه بارزی از پیوندهای عمیق استراتژیک میان این دو کشور است.

ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی دارای روابط استراتژیک می‌باشند و از عمده‌ترین متحدان یکدیگر در منطقه غرب آسیا به‌شمار می‌آیند. دولتمردان آمریکایی بر این باورند که رژیم صهیونیستی نقش حیاتی برای منافع استراتژیک آمریکا در غرب آسیا ایفا می‌کند. (جعفری، ۱۳۹۱: ۱۶۸) همه صاحب‌نظران مسائل سیاسی از رابطه آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌عنوان رابطه‌ای ویژه یاد می‌کنند. به‌عنوان مثال در بخش نظامی، اسرائیل کمک‌های فراوان و منحصر به فردی از آمریکا دریافت کرده است. آمریکا از سال ۱۹۸۴ بالغ بر ۳ میلیارد دلار به اسرائیل کمک نموده که همه آنها به‌صورت بلاعوض بوده است. از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی این کمک‌ها به شکل فزاینده‌ای افزایش یافت. به‌طوری‌که اسرائیل بهتر دید از بخشی از کمک‌های اقتصادی برای بازپرداخت وام‌های نظامی بهره جوید. به‌علاوه اسرائیل با مشارکت آمریکا منطقه آزاد تجاری را پایه‌ریزی کرد. این رابطه دوستانه به همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی نیز تسری پیدا کرده است. در حوزه سیاست نیز آمریکا چندین بار به‌رغم مخالفت‌های جهانی، قطعنامه‌های ضد اسرائیلی شورای امنیت را وتو کرده است. به بیانی ساده باید اذعان داشت که این کشور برای هیچ کشور دیگری در جهان چنین قاطع برخورد نمی‌کند. (گارفینکل، ۱۳۷۶: ۱۵)

آمریکا و رژیم صهیونیستی، علاوه بر افزایش توانمندی‌های خود در پی تقویت اتحاد و همکاری‌های متقابل و تضعیف اتحادها و همگرایی‌های دولت‌های منطقه خاورمیانه می‌باشند. (Schweller, 1994: 77) از زمان تأسیس دولت رژیم صهیونیستی تاکنون دو کشور به‌تدریج گستره و عمق روابطشان را توسعه داده‌اند (جعفری، ۱۳۹۱: ۱۶۸) از نظر رژیم صهیونیستی شاهاک، در دوران جنگ سرد، دولت رژیم صهیونیستی به‌عنوان خط مقدم دفاعی در برابر پیشرفت کمونیسم در غرب آسیا (دارای منبع انرژی جهان) نقش‌آفرینی می‌کرد و نیز پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این کشور خود را به‌عنوان سد محکم و رسوخ‌ناپذیر در مقابل گسترش بنیادگرایی اسلامی در جهان عرب معرفی نموده است. براساس ادعای شاهاک، رژیم صهیونیستی همچنان یک ضرورت استراتژیک برای آمریکا در منطقه غرب آسیا محسوب می‌گردد و حضور آن در قلب دولت‌های خاورمیانه عربی - اسلامی، از ملزومات منافع و مصالح ملی ایالات متحده آمریکا به‌حساب می‌آید. (Shahak, 1997: 31 - 45)

۱. مسیحیان صهیونیست، عنوان گروه‌های مسیحی بنیادگرائی است که به شدت علاقمند به تشکیل دولت یهودی در فلسطین بوده و حمایت از آن را یک وظیفه مقدس برای خود می‌دانند.

اگر بخواهیم اولویت‌های روابط و پیوندهای سیاسی - امنیتی میان آمریکا با رژیم صهیونیستی در دوران پس از تأسیس رژیم صهیونیستی را مورد شناسایی قرار دهیم، با موضوعات متعددی چون «فرایند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی»، «جلوگیری از نفوذ کمونیسم در دوران جنگ سرد»، «مهار بنیادگرایی اسلامی و مبارزه با تروریسم»، «همکاری هسته‌ای و فروش تسلیحات»، «مبارزه با تسلیحات کشتار جمعی»، روبه‌رو می‌شویم. موضوعاتی که هر کدام به نحوی از انحاء موجبات همکاری و گسترش پیوندهای سیاسی - امنیتی میان آمریکا و رژیم صهیونیستی را فراهم کرده است.

### جمع‌بندی

همان‌گونه که اشاره شد هژمون با سوءاستفاده از موضوع پرونده هسته‌ای ایران و با بهره‌مندی از ظرفیت‌های تبلیغاتی خود، ضمن ترویج ایران‌هراسی به تأمین منافع راهبردی خود در منطقه غرب آسیا پرداخته است. شکی نیست که شقوق مختلف دیپلماسی دولت‌ها، در راستای تأمین منافع آنها عملیاتی می‌گردد. بر همین مبنا دیپلماسی رسانه‌ای هژمون در موضوع هسته‌ای ایران به نحوی تنظیم شد تا منافع راهبردی آمریکا در سطوح گوناگون از جمله سطح منطقه‌ای را تأمین نماید. وقتی بپذیریم که هژمونی و سلطه رسانه‌ای آمریکا و غرب اصلی‌ترین عامل ساخت واقعیت‌های نظام بین‌الملل است، طبیعتاً و به‌عنوان نتیجه طبیعی باید پذیرفت که کشورها و سیاستمداران دنیا به‌ویژه سیاستمداران کشورهای مرتجع عرب، بیش از هر چیز تحت تأثیر القانات رسانه‌های غربی دست به کنشگری می‌زنند. همین امر موجبات هدایت سران و کشورهای عرب به سمت‌وسوی مدنظر آمریکا و در نتیجه تأمین منافع راهبردی آمریکا را لااقل در مناقشه هسته‌ای ایران به ارمغان آورده است.

بر همین اساس است که پرونده هسته‌ای ایران از همان ابتدای طرح در مجامع بین‌المللی با کنشگری رسانه‌هایی نظیر صدای آمریکا، ضمن خروج از مسیر بررسی فنی و حقوقی به ورطه سیاسی بازی دولت‌هایی چون آمریکا افتاد. رسانه‌های آمریکایی و غربی با استفاده حداکثری از شکاف‌های تاریخی و ذهنی موجود میان کشورهای پادشاهی عربی منطقه با ایران به‌خصوص پنج کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و کویت، دامن زدن و گسترش این شکاف‌ها را در دستور کار خود قرار دادند. اقدامی که توانست سودهای سرشار اقتصادی و سیاسی را برای دولت آمریکا به ارمغان آورد.

### منابع و مآخذ

۱. باقری‌هشی، مهدی؛ جاویدکار، مرتضی و محسن آقامحمدی، ۱۳۹۲، «نقش شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در پیشبرد اهداف آمریکا در جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی صدای آمریکا)»، *مجله رسانه و فرهنگ*، س سوم، ش اول، ص ۵۸ - ۲۹.

۲. جعفری، علی اکبر، ۱۳۹۱، «تبیین عوامل و اهداف اتحاد استراتژیک میان آمریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ش ۲۶، ص ۱۹۱ - ۱۵۳.
۳. جهانگیری، میترا، ۱۳۹۰، *تأثیر شیعه‌هراسی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی.
۴. خرازی آذر، رها، ۱۳۸۷، «دیپلماسی رسانه‌ای»، *مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه‌ای*، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۳۰ - ۷.
۵. ذوالفقاری، مهدی، ۱۳۹۱، *تحلیل عملیات روانی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۶. رنایی، محسن، ۱۳۹۲، *اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران (درآمدی بر عبور تمدن‌ها)*، تهران، تارنمای رسمی محسن رنایی.
۷. سجادی‌پور، سید محمد کاظم و سعیده اجتهادی، ۱۳۸۹، «نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد، مطالعه موردی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دانش سیاسی*، ش ۱۱، ص ۶۰ - ۲۵.
۸. شایوسی، سلطان مراد، ۱۳۹۰، *تأثیر پرونده هسته‌ای بر تشدید پدیده ایران‌هراسی در منطقه خاورمیانه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، پردیس نیمه‌حضوری.
۹. شریعتی‌نیا، محسن، ۱۳۸۹، «ایران‌هراسی؛ دلایل و پیامدها»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، ش ۶، ص ۲۰۸ - ۱۹۱.
۱۰. شعاری‌نژاد، علی اکبر، ۱۳۸۶، *فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، امیرکبیر، چ ۸.
۱۱. گارفینکل، آدام، ۱۳۷۶، *رابطه آمریکا و اسرائیل پس از جنگ سرد*، ترجمه وجیهه صادقیان خوری، بولتن ۱۱۳ دفتر مطالعات سیاسی - بین‌المللی وزارت امور خارجه، ص ۱۸ - ۱۵.
۱۲. قاسمی، فرهاد، ۱۳۹۱، *اصول روابط بین‌الملل*، تهران، نشر میزان، چ ۴.
۱۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲، *نظریه‌های روابط بین‌الملل: بنیان‌های نظری نظم و رژیم‌های بین‌المللی*، تهران، نشر میزان.
۱۴. قنبرلو، عبدالله، ۱۳۸۷، «آمریکا و بحران هسته‌ای ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۴۲، ص ۸۵۲ - ۸۲۷.

۱۵. قهرمان پور، رحمان، ۱۳۸۷، «تله دیپلماسی یا دیپلماسی عمومی و موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران»، ص ۳۴-۳۳، *مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه‌ای*، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۴۰-۳۱.

۱۶. نوابخش، مهرداد، ۱۳۸۷، «دیپلماسی رسانه‌ای به مثابه ابزار سیاست خارجی»، *مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه‌ای*، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۱۵۷-۱۵۱.

۱۷. واعظی، محمود، ۱۳۸۹، «نظام نوین بین‌الملل و مدیریت بحران‌های بین‌المللی»، *فصلنامه راهبرد*، ش ۵۶، ص ۴۲-۷.

18. <http://www.voanews.com>.

19. <http://usclosure.com/content/48791>.

20. Porter, Gareth, 2013, *Manufactured Crisis: The Untold Story of the Iran Nuclear Scare*, Just World Books.

21. Walt, Stephen, 2000, *Alliances: Balancing and Bandwagoing*, at: <http://www.ou.edu/uschina/texts/WaltAlliances.pdf>

22. TIV of arms exports to Saudi Arabia, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: [http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export\\_values.php](http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export_values.php)

23. TIV of arms exports to UAE, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: [http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export\\_values.php](http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export_values.php)

24. TIV of arms exports to Qatar, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: [http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export\\_values.php](http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export_values.php)

25. TIV of arms exports to Bahrain, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: [http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export\\_values.php](http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export_values.php)

26. TIV of arms exports to Kuwait, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: [http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export\\_values.php](http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export_values.php)

27. TIV of arms exports to Saudi Arabia, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: [http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export\\_values.php](http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export_values.php)

28. TIV of arms exports to UAE, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: [http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export\\_values.php](http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export_values.php)

29. TIV of arms exports to Qatar, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: [http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export\\_values.php](http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export_values.php)

30. TIV of arms exports to Bahrain, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: [http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export\\_values.php](http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export_values.php)

31. TIV of arms exports to Kuwait, 2003 \_ 2013, Generated: 13 December 2014, at: [http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export\\_values.php](http://armstrade.sipri.org/armstrade/html/export_values.php)

32. TIV of arms exports to all, 2003 \_ 2013, Generated: 14 December 2014, at: <http://www.sipri.org/databases/armstransfers>

33. Watson, James and Anne Hill, 2006, *Dictionary of Media and Communication Studies*, 7th Edition, Hodder Arnold Publication.

34. Ebo, Bosah, 1998, *Media Diplomacy and Foreign Policy: Toward a Theoretical Framework*, In Abbas Malek (Ed). *News Media and Foreign Relations: a Multifaced Perspective*, Norwood: N.J: Ablex.

35. Rabeya, david, 2003, *Fundamentalism: Roots, Causes and Implications*, Xlibris Corporation.
36. Bard, Mitchell G, 2011, *Roots of US \_ Israel Relationship*.
37. Schweller, Randall L, 1994, *Bandwagoning for Profit: Bringing the Revisionist State Back in*, International Security, Vol.19, No.1, at: <http://www.jstor.org/discover/10.2307/2539149?sid=21105225910771&uid=2&uid=70&uid=3739192&uid=2129&uid=4>.
38. Shahak, Israel, 1997, *Open Secrets, Israel Nuclear and Foreign Policies*, London: Pluto Press.
39. [http://www.jewishpolicycenter.org/4056/us\\_israel\\_military\\_relations](http://www.jewishpolicycenter.org/4056/us_israel_military_relations).
40. [http://avalon.law.yale.edu/20th\\_century/pal02.asp](http://avalon.law.yale.edu/20th_century/pal02.asp)
41. Osborne, Peter, David, Morrison, 2013, *A Dangerous Delusion: Why the West is Wrong About Nuclear Iran*, Elliott & Thompson.
42. Jason, Jones, 2011, *The American Rhetorical Construction of the Iranian Nuclear Threat*, A&C Black.
43. Risen, James, 2006, *State of War: The Secret History of the CIA and the Bush Administration*, Free Press.
44. Perkovich, George, 2003, *Dealing with Iran's Nuclear Challenge*, Carnegie Endowment for International Peace.
45. Walt, Stephen, 1987, *Alliances: Balancing and Bandwagoing*, at: <http://www.ou.edu/uschina/texts/WaltAlliances.pdf>.